



خانواده شهید صداقت در محضر مقام معظم رهبری

مصاحبه «جوان» با پدر و برادر شهید محسن صداقت از شهدای حمله صهیونیست‌ها به کنسولگری ایران در سوریه

شهادتش با زبان روزه موجب تغییر حال خیلی‌ها شد

■ شکوفه زمانی

شهید محسن صداقت از شهدای حمله تروریستی صهیونیست‌ها به کنسولگری کشورمان در روز ۱۳ فروردین ۱۴۰۳ است؛ حمله‌ای که مدتی بعد منجر به عملیات وعده صادق و در هم شکستن هیمنه پوشالی اسرائیل و امریکا و متحدانش شد. شهید صداقت معتقد به ولایت فقیه بود و بسیار مقام معظم رهبری را دوست داشت. او که از نوجوانی در بسیج فعالیت می‌کرد، بعدها به عضویت سپاه در آمد و نهایتاً مزد خدمات خالصانه‌اش را در ماه میهمانی خداوند، ماه مبارک رمضان و در شب لیله القدر گرفت و با زبان روزه به دست اشرار صهیونیست به شهادت رسید. پیکر شهید صداقت در حرم کریمه اهل بیت، حضرت معصومه (س) دفن شد. گفت‌وگوی ما را با حسین صداقت برادر شهید و علی صداقت پدر شهید پیش‌رو دارید.

برادر شهید

آن طور که در برخی اخبار آمده بود، گویا شهید صداقت از یک خانواده روحانی بودند؟

بله، پدر ما روحانی هستند و تدریس می‌کنند. آقا محسن متولد ۵ اردیبهشت ۱۳۶۶ در قم و فرزند پنجم خانواده است. من تنها دو سال با او فاصله سنی دارم و در کودکی با هم همبازی بودیم. ما هفت برادر و یک خواهر هستیم. پیش از شهید محسن، مادرمان پسری را باردار بود که هم‌زمان با حملات موشکی صدام به قم، آن پسر که نامش را پیش از تولد محسن گذاشته بودند به دلیل ترس و وحشتی که به آن روز بر اثر حملات صدام بر مادرم وارد شده بود، بعد از به دنیا آمدن به دلیل ایست قلبی از دنیا رفت. برای همین پسر بعدی را که خدا به خانواده ما داد اسمش را محسن گذاشتند که هم‌نام همان فرزندان دست رفته باشد. آن برادرم بر اثر حملات موشکی صدام از دنیا رفت و محسن هم بر اثر بمباران موشکی اسرائیل در سن ۳۷ سالگی به شهادت رسید.

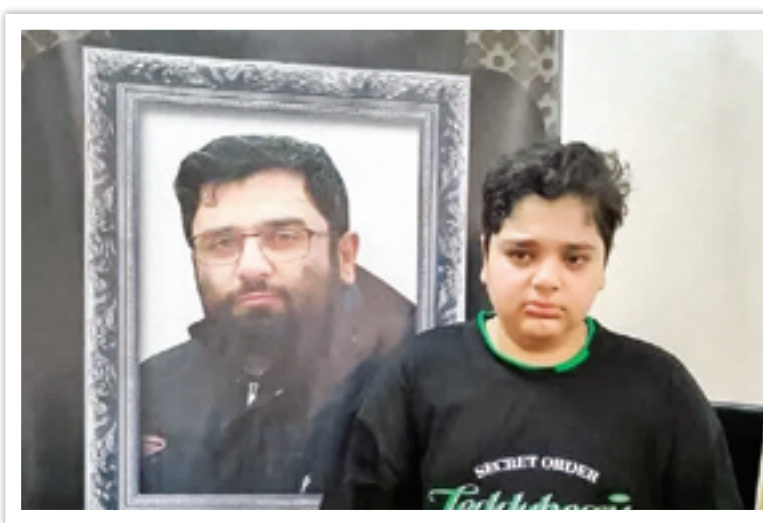
آقا محسن در کودکی چه فعالیت‌هایی داشتند؟

آقا محسن از کودکی اهل مسجد رفتن بود و در برنامه‌ها و کلاس‌های قرآن مسجد محله شرکت می‌کرد. همچنین به صورت مستمر در بسیج فعال بود و آنجا خدمت می‌کرد. زندگی ما بسیار ساده بود. شهریه ناچیز طلبگی پدرم هر چند کم بود، ولی همیشه برکت داشت. مادرم هم در خوب تربیت شدن بچه‌ها خیلی تلاش می‌کرد و رفتار و منش پدر و مادرم الگوی عملی تربیت بچه‌ها بود و فضای خیلی سالم و خوبی در خانه ما حاکم بود.

شهید چه سالی جذب سپاه شدند؟

برادرم سال ۸۵ وارد سپاه شد و در بخش هوافضا مشغول بود. بسیاری از زمان‌ها در مأموریت بود، مأموریت اخیر محسن در چابهار بود که یکی از همکارانش روز تدفین برای من نقل کرد که یک روز به آقا محسن گفتم: «من که حاضر نیستم این همه دوری و غربت و شرایط آب و هوایی سخت را تحمل کنم. تو چرا چنین مأموریت سخت و دوری را قبول می‌کنی؟» محسن گفته بود: «این تکلیف بر عهده

ما گذاشته شده است و بالاخره یک نفر باید این امر مهم را بر عهده بگیرد». این امر نشان دهنده تکلیف‌مداری و حس مسئولیت‌پذیری محسن است.او از بچگی هم‌همینطور بود. محسن هیچ وقت از درجه و مقامش نمی‌گفت و هیچ‌کس حتی پدر و مادر و همسرش هم مسئولیت او در سپاه را نمی‌دانستند. گاهی به شوخی می‌گفتم محسن تو بالاخره در سپاه و در این مأموریت‌ها چه کاره هستی؟ با شوخی و خنده می‌گفت: «من هیچ کارام، دستشویی‌های سپاه را



فرزندان شهید صداقت در کنار تصویر پدر

درد

برادر شهید؛ وقتی خبر حمله به کنسولگری ایران رسید، من اطلاع نداشتم برادرم در سوریه است. چون از رفتنش به کسی اطلاع نمی‌داد و فقط همسر و بعضی اوقات پدر و مادرمان مطلع می‌شدند. اسامی شهدا شب‌اعلام شد و وقتی اسم محسن جزو شهدا اعلام شد، بستگان و دوستانم مرتب تماس می‌گرفتند. بسره می‌گرفتند. سریع به خانه پدرم رفتم دیدم آنجا شلوغوشده است

تی می‌کشم؟ همه محسن را با کارهای خیر می‌شناختمند. خیلی اهل کار خیر بود. در حد توانش چه کمک مالی و چه غیر مالی هر آنچه می‌دانست و می‌توانست از خود دریغ نمی‌کرد. در همین سال‌های اخیر با توجه به اینکه پدرم تنها حقوق طلبگی دریافت می‌کند، کمی زندگی برای پدرم و مادرم سخت شده بود. به همین دلیل محسن به برادران پیشنهاد داده بود حسابی را برای مادر افتتاح کنند و گفت هر کس در حد توان مبلغی را هر چند اندک برای مادر واریز کند تا قدری از این فشار اقتصادی خانواده کاسته شود. ما بعد از شهادت محسن فهمیدیم او علاوه بر این کار، تکفل ۱۵ یتیم را نیز بر عهده داشت. این در حالی بود که خود شهید وضعیت مالی خیلی خوبی نداشت. ماشینش یک پراید مدل ۸۲ بود و در یک منزل کوچک ۵۳ متری زندگی

آوردند و هجرت کردند با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است و آنها به موهبت عظیم (آن‌شاءالله شهادت) رسیده‌اند». برادرم در ادامه این دستخط نوشته است: «پروردگار آنها را به رحمتی از ناحیه خویش و خشنودی و باغ‌های بهشتی که در آن نعمت‌های جاودانه دارد، بشارت می‌دهد، یارب به‌حق زهرا سلام‌الله علیها از زقا شهادت فی سبیلک ۱۳۰/۲/۱۴۰۳». این دستنوشته تقریباً یک ماه و نیم قبل از شهادت محسن از سوی او نوشته شده بود.

وقتی از حمله به کنسولگری ایران مطلع شدید فکر می‌کردید نام برادر شما هم جزو شهدای این حادثه باشد؟

وقتی خبر حمله به کنسولگری ایران رسید، من اطلاع نداشتم که او در سوریه است. چون از رفتنش به کسی اطلاع نمی‌داد و فقط همسر و بعضی اوقات پدر و مادرمان مطلع می‌شدند. اسامی شهدا شب‌اعلام شد و وقتی اسم محسن جزو شهدا اعلام شد، بستگان و دوستانم مرتب تماس می‌گرفتند که خبر بگیرند. ما هم هرچه سریع‌تر خودرمانا به منزل پدر رساندیم. خانه شلوغوش بود و حتی بیرون از خانه جمعیت جمع شده بود. وضعیت بسیار خاصی بود و همه در حال عزاداری بودیم و تا صبح بیدار ماندیم. لحظات سختی بود. هم برای پدر و مادر شهید، هم برای همسر و فرزندان شهید و هم برای خواهر و برادرها و دیگر بستگان و دوستان. این شور و احساسات همچنان ادامه داشت و فرداش شب که شب قدر آخر هم بود، همه در منزل پدر شهید احیا گرفتیم و دعای جوشن کبیر را قرائت کردیم. قرآن به سر گرفتیم. هیچ



شهید محسن صداقت

درد

پدر شهید؛ من پیکر پسرم را ندیدم، ولی خانواده که صورت و پیکر محسن را دیدند گفتند لبانش خشک بود. بعد از انتقال شهید به ایران پیکر ش را در حرم کریمه اهل بیت، حضرت معصومه (س) دفن کردیم. در واقع خانم حضرت معصومه (س) محسن‌سما را در جوار خودش طلبید و پیکر پسرم در حرم ایشان دفن شد

می‌کرد که تازه چند ماه پیش یک اتاق بالای پست‌بام به آن اضافه کرده بود. یکی از ویژگی‌های مهم محسن این بود که خیلی ارتباط خوبی با همسر و فرزندان داشت. برادرم هر یکی دو ماه به خانواده سر می‌زد، اما همان زمان هم که با خانواده بود تمام وقتش برای آنها بود. وقتی فرزندش محمدطاها در معراج الشهدا با پدرش درد دل می‌کرد، می‌گفت بابا درست است بیشتر مواقع مأموریت بودی و پیش ما نبود ای‌ها همیشه نبودنت را جبران می‌کردی. محسن این‌بار هم قرار بود بیایی و نبودنت را جبران کنی. محسن همیشه دست و پای مادر و پدر را می‌بوسید. با اینکه ما اکثر مواقع قم بودیم اما او نسبت به ما بیشتر به پدر و مادر سر می‌زد.

گویا آقا محسن دستنوشته‌ای در باره شوقش به شهادت از خود به یادگار گذاشته‌است؟

بله، دستنوشته‌ای از محسن مربوط به تاریخ ۳۰ بهمن ۱۴۰۲ موجود است که در آن نوشته است: «بسم رب الزهرا(س)، بان‌خان خدا و به یاد مهدی(رفیق شهیدم) قرآن را گشودم آیه ۲۰ و ۲۱ سوره مبارک توبه (آمد)، آنها که ایمان

خانواده‌ام برو. آنها تسبیح سبز رنگی دارند که بر پیکر من تبرک کردند. او خوابش را بسه خواهرزاده‌ام می‌گوید و خواهرزاده‌مان هم به مادر شهید این پیام را می‌دهد. مادر شهید که اصلاً در آن لحظه در جریان تسبیح‌ها نبودند می‌گوید چنین تسبیحی من ندارم. اگر می‌خواهد تسبیحی بر مزار شهید تبرک کنم برایش ببرید. فردای آن روز من از این جریان مطلع شدم و خیلی تعجب کردم! چراکه هنگام تسبیح پیکر محسن، چند عتد تسبیح سبز رنگ داشتیم که آنها را با پیکر شهید متبرک کردیم. از این موضوع هم به کسی حرفی زده بودم، خواب آن بنده خدا رؤیای صادقه بود و این‌طور تعبیر شد.

شهید چند فرزند داشتند؟

همسر شهید از سادات است و ماحصل زندگی مشترکشان سه فرزند پسر به نام‌های محمدطاها، محمدعلی و علی اکبر به سن‌های ۱۴، ۱۲ و شش‌ساله و یک دختر هم تو راهی است که آن‌شاءالله به سلامتی حدود سه ماه دیگر به دنیا می‌آید.

اینجایمی‌خواهم نکته‌ای را بیان کنم. یکی از خواهران یکماه بعد از شهادت محسن خواب دیده بود که خادمان حرم امام (رضاع) برای زیارت قبر محسن آمده‌اند و می‌گویند: «هر کسی به اندازه لیاقتش می‌تواند بیاید و قبر شهید را زیارت کند».

خواهرم که از خواب بیدار می‌شود با خودش می‌گوید از خادمان امام (رضاع) قبلاً برای زیارت قبر آقا محسن آمده بودند. بعدی می‌دانم دیگر از آنجا بیایند، اما همان روز بدون اطلاع قبلی تماس گرفته می‌شود و می‌گویند یکسری از خادمان برای عرض تسلیت می‌خواهند به منزل شهید بیایند و همین‌طور به زیارت قبر شهید بروند. این خواب نشان دهنده آن است که «شهیدان دارای جایگاه والایی هستند و کسانی که در راه خدا جان و خون خود را اهدا می‌کنند، پیش‌خدا عزیز هستند.»

پدر شهید

حاج آقا! اصالتاً اهل کجا هستید و به عنوان پدر شهید بفرمایید کدام خصوصیات اخلاقی ایشان بیشتر به چشم می‌آمد؟

من متولد ۱۳۲۱ در استان بوشهر هستم، اما از سال‌ها پیش به قم آمدم و الان ساکن این شهر مقدس هستم. به عنوان استاد حوزه علمیه از یک تا پایه ۱۰ مشغول تدریس هستم. آقا محسن معتقد به ولایت فقیه بود و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را بسیار دوست داشت. نسبت به پدر و مادر بسیار مهربان بود. با خواهران و برادران خود آنقدر صمیمی بود که در طول عمرش هیچ‌گونه کدورتی بین آنها پیش نیامد. او بنیانگذار مراسم عزاداری برای اهل بیت(ع) و چراغانی در شادی‌ها بود و جوانان خوبی را گرد جمع می‌کرد. مقید به خمس آل محمد بود با اینکه خودش حقوق ناچیزی داشت و موقع شهادت صرفاً مبلغ ناچیزی در حساب پس‌رزگش داشت.

همانطور که زینب کبری(س) با دادن جوانان خود و برادران و برادرزاده‌هایش نشان داد اهداف‌شان احیای اسلام است و در تعریف طوفان کربلا گفت که چیزی جز زیبایی ندیدم، لطف خدا این بود که محسن ما هم در همین مسیر حق حرکت کند و شش شهید حادثه تروریستی کنسولگری کشورمان در سوریه، همگی در راه دفاع از حرمین ولایت و دفاع از قدس شریف در غربت سوریه و در ماه میهمانی خداوند، ماه مبارک رمضان آسمانی شدند. آن هم در شب لیله‌القدر و با زبان روزه به دست اشرار صهیونیست در کنسولگری کشورمان به شهادت رسیدند. من پیکر پسرم را ندیدم، ولی خانواده که صورت و پیکر محسن را دیدند گفتند لبانش خشک بود. پیکر او را در حرم کریمه اهل بیت(ع) حضرت معصومه(س) دفن کردیم. در واقع خانم حضرت معصومه (س) محسن ما را در جوار خودش طلبید و پیکر پسرم در حرم ایشان دفن شد. آثار خدمات خالصانه آقا محسن و سپس سعادت شهادتی که پیدا کرد اینجاستطاهر می‌شود که هم اکنون قبر او مورد زیارت کسانی قرار می‌گیرد که برای زیارت حرم حضرت معصومه(س) به قم می‌آیند. آن‌شاءالله، هروی راه شهدا باشیم و بتوانیم این بار سنگین را به منزل برسانیم. باید بگویم محسن کاملاً آمادگی شهادت را داشت و به هدفش نیز رسید. شهید خواب دیده بود حاج‌قاسم سلیمانی در دفتر کارش نشسته و محسن هم پیش او رفته است. محسن در خواب به ایشان گلابی می‌کند و می‌گوید شما رفتید وفلانی که از فرماندهان ما بود هم رفت ولی من ماندم... حاج قاسم گفته بود: «شما هم می‌آیید.»

			۲				۸	۹
				۳				۷
			۵				۲	۶
		۱		۲	۶			
۵	۲		۳					
			۸		۳			
						۷	۵	۹
						۷		
			۶					

جدول سودوکو

ارقام تا ۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

➤ پاسخ جدول شماره ۷۰۷۴

۱	۷	۶	ب	ا	د	ا	۷	۸
ا	ا	د	ا	ا	۷	۶	ب	۷
ب	۷	ا	۷	د	۶	ا	ا	ا
د	ا	۷	ا	ا	۷	ب	ا	۶
۷	ا	ب	د	۶	ا	ا	۷	۷
ا	ب	۶	ا	۷	ب	ا	ا	د
۶	ا	۷	ا	۷	ب	ا	ا	د
ا	ب	۷	ا	۷	د	۷	ا	ا
ا	ب	۷	ا	۷	د	۷	ا	ا
۷	ا	۶	ا	ا	۷	ب	ا	۷

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
د	س	م	و	ز	ا	غ	ا	ز	ف	ا	ز	م	و	د
ب	و	ل	و	ت	ا	ر	د	س	د	و	ا	ع	ا	د
ک	ل	ر	ا	م	و	ا	م	و	ا	ر	ز	ا	ت	ف
۴	ل	ر	ا	م	و	ا	م	و	ا	ر	ز	ا	ت	ف
۵	و	ت	ا	ر	د	س	د	و	ا	ع	ا	د	د	س
۶	م	و	ت	ا	ر	د	س	د	و	ا	ع	ا	د	س
۷	م	و	ت	ا	ر	د	س	د	و	ا	ع	ا	د	س
۸	م	و	ت	ا	ر	د	س	د	و	ا	ع	ا	د	س
۹	م	و	ت	ا	ر	د	س	د	و	ا	ع	ا	د	س
۱۰	ف	ر	ا	د	س	د	و	ا	ع	ا	د	س	د	و
۱۱	ز	ف	ا	د	س	د	و	ا	ع	ا	د	س	د	و
۱۲	ز	ف	ا	د	س	د	و	ا	ع	ا	د	س	د	و
۱۳	ز	ف	ا	د	س	د	و	ا	ع	ا	د	س	د	و
۱۴	ز	ف	ا	د	س	د	و	ا	ع	ا	د	س	د	و
۱۵	ت	ا	ر	د	س	د	و	ا	ع	ا	د	س	د	و

از راست به چپ

۱- مسیح کردستان - ماست آبکی ■ ۲- توضیح المسائل -از نام‌های حضرت جبرئیل ■ ۳- جناب- اثری از شیخ مرتضی انصاری - شعبه‌ای از دین بودایی ■ ۴- از غذاهای محلی یزد- رطوبت- از دریاچه‌های مرزی امریکا و کانادا ■ ۵- رنگ خون انگلیسی- نادختری- لقب شاهان مغول ■ ۶- نشانه- خمیازه- آخرین تراژدی ولتر- صدف‌نشین ■ ۷- کشور بانکدار- از احزاب بانفوذ رژیم اشغالگر قدس -دخان ■ ۸- کرگدن- فسادها- مهاجم تیم آرنستال انگلیس ■ ۹- ابوالبشر- نظریه- دین توحیدی ■ ۱۰- تکرار حرف آخر- جوهر چاپگر- از نام‌های دهمخدا- پدر ادریس نبی ■ ۱۱- کوهی که کشتی نوح پس از طوفان بر آن قرار گرفت- ساکنان محل- اولین نت ■ ۱۲- کشوری در حوزه دریای بالتیک- عید ویتنامی‌ها- از افتاب‌نابی ■ ۱۳- ثروتمند- دفتر حساب‌های دیوانی- اشاره- ۱۴- کتاب‌نمایشنامه‌نویس آلمانی، شیلر- نویسنده فرانسوی خسیس ■ ۱۵- شهری در جمهوری آذربایجان- خار چشم مستکبران عالم در خاورمیانه

از بالا به پایین

۱- از مهم‌ترین شعارهای مسلمانان جهان در این روزهای اسفناک مردم غزه- وجه مشترک دشوار و دشمنی ■ ۲- مقابل عقلی- نوعی لوح فشرده- آخرین غزوه پیامبر اسلام ■ ۳- موزیک نظامی- بدل از وضو- بهار زندگی ■ ۴- شجاع- حرف انتخاب- داروی تقویتی ویتامین‌دار ■ ۵- میوه خوب- جامه- تولید نشده- یک و یک ■ ۶- فیلم کیمیایی- کوچک انگلیسی- جواب مثبت ■ ۷- مهار شتر- وزیر خارجه انگلستان که در تأسیس رژیم غاصب نقش مؤثری داشت- تراکتور شایزار ■ ۸- شاخه تازه درخت- بازیکن هم‌تیمی- پایتخت کانادا ■ ۹- از نام‌های خدا- ترکیب شده با اکسیرن- ریسمان ■ ۱۰- عقاب سیاه- بندها- از منسوبین ■ ۱۱- پهلوان- قسمت حساس رایانه- سزاوار تر- فلز سرخ ■ ۱۲- سد روی رود نیل- جاشنی اشتهاآور- مأمور تشریفات عصر صفویه ■ ۱۳- طلوع کردن- نقاش نامدار اسپانیا- دیگ نامی باشه ■ ۱۴- پماد ضدسر درد- قیچی پشم‌زنی- یک حرف و سه حرف ■ ۱۵- سنگ عساری- زمانی از ویکتور هوگو، نویسنده و شاعر بزرگ فرانسوی